



بقاء به هر قیمت

معرفی و نقد کتاب جاسوسان علیه آخرالزمان

علیرضا سلطانشاهی

مقدمه

جاسوسان علیه آخرالزمان^۱ جدیدترین اثر از سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی است که در ایران به چاپ رسیده.

این کتاب نسبتاً حجیم که ظاهراً بخش‌هایی از ترجمه آن هم حذف شده، از این حیث در این بخش از فصلنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد که توجه ویژه‌ای از آن به موضوع ایران است؛ ضمن آن که به طرح موضوعات جدیدی در مورد ایران هم می‌پردازد که تا قبل از این، آثار دیگر از آن پرهیز می‌کردند. علاوه بر آن، به نکات بسیار مهم در تاریخ موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی پرداخته که پیش‌تر از این یا در مورد آن ابهاماتی وجود داشت یا

1. "Spies Against Armageddon, inside israel's secret wars", Dan Ravin & Yossi Melman.

آرماگدون نام محلی در فلسطین اشغالی در شمال جنین و جنوب ناصره است که بنابر فصل آخر انجیل که به پیشگویی آخرالزمان اختصاص دارد، محل جنگ سرنوشت‌ساز بین نیروهای خیر و شر خواهد بود و این خلاف ترجمه است (ص ۱۶) که آخرالزمان را به مکان تعبیر کرده است.

نویسندگان یهودی کتاب اگر چه همچون سایر یهودیان «انتظار چنین رخدادی را ندارند و خواهان آن نیستند، با این حال [فکر می‌کنند که] جامعه امنیتی اسرائیل به کرات این وظیفه را بر عهده داشته است که جنگی مخفی ترتیب دهد که هدف از آن عقب کشیدن اسرائیل از پر تگاه سقوط در وضعیت‌های هولناک است.» (دان راویو و یوسی ملمن، جاسوسان علیه آخرالزمان، ترجمه مرتضی میرمطهری، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۵، ص ۱۶).



داستان کاملاً متفاوت بود؛ مثل روایت متفاوت از سرگذشت ولفگانگ لوتز جاسوس اسرائیل در مصر به زبان خودش، با آنچه در این اثر آمده.

این اثر کارنامه سیستم اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در عرصه داخلی، خارجی و نظامی را به بحث می‌گذارد و موساد،^۱ شین بت^۲ و امان^۳ را با معرفی مهم‌ترین عملیاتشان ظرف هفتاد سال گذشته مورد ارزیابی جانبدارانه قرار می‌دهد.

اگرچه در برخی موارد تلاش می‌کند که ظاهر بی‌طرفانه خود را نیز برجسته نماید تا نزد مخاطب بیشتر باورپذیر جلوه کند.

از نکات مفید این اثر مرور مختصری بر تاریخ پر فراز و نشیب تحولات رژیم صهیونیستی در تعامل با قدرت‌ها و تقابل با دشمنان و حفظ موجودیت خود در این میان است.

معرفی کتاب

عنوان: جاسوسان علیه آخرالزمان (عنوان اصلی: جاسوسان علیه آرماگدون)

نویسندگان: دان راویو - یوسی ملمن

ترجمه: مرتضی میرمطهری

ناشر: مؤسسه اطلاعات

۱. Mossad) موساد یا سازمان اطلاعات خارجی رژیم صهیونیستی رسماً در سال ۱۹۵۱ (پس از یک دوره کوتاه غیررسمی در سال ۱۹۴۹) با اسم و عنوان مشخص با دستور دیوید بن گوریون تأسیس شد. رؤسای این سازمان از ابتدا عبارت‌اند از: رتوون شیلواه (۱۹۵۲-۱۹۴۹)، ایسر هارل (۱۹۶۳-۱۹۵۳)، مئیر آمیت (۱۹۶۸-۱۹۶۳)، زوری زامیر (۱۹۷۴-۱۹۶۸)، اسحاق حوفی (۱۹۸۲-۱۹۷۴)، ناحوم ادمونی (۱۹۸۹-۱۹۸۲)، شبتای شاویت (۱۹۹۶-۱۹۸۹)، دنی یاتوم (۱۹۹۸-۱۹۹۶)، افزایم هالوی (۲۰۰۲-۱۹۹۸)، مئیر داگان (۲۰۱۱-۲۰۰۲)، تامیر باردو (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، یوسی کوهن (۲۰۱۶).

۲. Shin Bet) شین بت یا شاباک، سازمان اطلاعات و امنیت داخلی رژیم صهیونیستی از سازمان‌های انشعابی شای است و در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده. شین بت مهم‌ترین سازمان شناسایی و سرکوب مقاومت فلسطینی در داخل اراضی اشغالی است و رؤسای آن از ابتدا عبارت‌اند از: ایسر هارل (۱۹۴۸-۱۹۵۲)، عزری دروت (۱۹۵۳-۱۹۵۲)، آموس مانور (۱۹۶۳-۱۹۵۳)، یوسف هارملین آخرین سفیر رژیم صهیونیستی در ایران قبل از انقلاب (۱۹۷۴-۱۹۶۴)، اوراهام آهیتوف (۱۹۸۱-۱۹۷۴)، اوراهام شالوم (۱۹۸۶-۱۹۸۱)، یوسف هارملین (۱۹۸۸-۱۹۸۶)، یاکوو پری (۱۹۹۴-۱۹۸۸)، کارمی گیلون (۱۹۹۶-۱۹۹۵) امی آپالون (۲۰۰۰-۱۹۹۶)، آوی دیختر (۲۰۰۵-۲۰۰۰)، یووال دیسکین (۲۰۱۱-۲۰۰۵)، بورام کوهن (۲۰۱۶-۲۰۱۱)، نداو آرگامان (۲۰۱۶).

۳. Aman) امان یا سازمان اطلاعات نظامی نیروی دفاعی اسرائیل در سال ۱۹۵۰، ذیل ستاد ارتش اسرائیل به صورت رسمی شکل گرفت و عمده‌ترین وظیفه آن مقابله با هر گونه تهدید نظامی در عرصه خارجی است و رؤسای آن از ابتدا عبارت‌اند از: ایسر بئری (۱۹۴۹-۱۹۴۸)، حییم هرزوک (۱۹۵۰-۱۹۴۹) بنیامین گیبلی (۱۹۵۵-۱۹۵۰)، یهو شواو هارکابی (۱۹۵۹-۱۹۵۵)، حییم هرزوک (۱۹۶۲-۱۹۵۹)، مئیر آمیت (۱۹۶۳-۱۹۶۲)، آهارون یاریو (۱۹۷۲-۱۹۶۴)، الی زیرا (۱۹۷۴-۱۹۷۲)، شلو موگازیت (۱۹۷۸-۱۹۷۴)، یهو شواو ساگوی (۱۹۸۳-۱۹۷۹)، ایهود باراک (۱۹۸۵-۱۹۸۳)، آمون لیپکین-شاهاک (۱۹۹۱-۱۹۸۶)، یوری ساگی (۱۹۹۵-۱۹۹۱)، موشه یعلون (۱۹۹۸-۱۹۹۵)، آموس مالکا (۲۰۰۱-۱۹۹۸)، آهارون زوی فرخاش (۲۰۰۶-۲۰۰۱)، آموس یادلین (۲۰۱۰-۲۰۰۶)، آویو کوخاوی (۲۰۱۴-۲۰۱۰) هرزی هالوی (۲۰۱۴).

سال نشر: ۱۳۹۵ (سال نشر اثر زبان اصلی ۲۰۱۲ که در سال ۲۰۱۴ هم با اضافاتی تجدید چاپ شده)

قطع: وزیری، تعداد صفحات: ۵۹۲، قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان
این اثر در بیست و پنج فصل تنظیم شده است که با پیش‌گفتار نویسندگان و مقدمه مترجم در ابتدای آن آغاز می‌شود.



نشان‌های سه سازمان موساد، شین‌بت و امان

نویسندگان این کتاب از دو ملیت جداگانه هستند. دان راویو روزنامه‌نگاری امریکایی است که سابقه طولانی در شبکه CBS دارد؛ متولد ۱۹۵۴ بوده و ۶۴ سال سن دارد. ولی یوسی ملمن نویسنده و روزنامه‌نگاری اسرائیلی، متولد ۱۹۵۰ با سابقه فعالیت در *هاآرتص* و *جرورالمپست* و معاریو است. خانواده او در سال ۱۹۵۷ به عنوان یک خانواده صهیونیست به فلسطین اشغالی مهاجرت می‌کند و خود او نیز در حالی که در لهستان متولد شده به فلسطین می‌آید و تحصیلات خود را ابتدا در رژیم صهیونیستی و دانشگاه عبری اورشلیم و سپس در هاروارد امریکایی ادامه می‌دهد.

پیش‌تر حاصل همکاری مشترک این دو نویسنده و روزنامه‌نگار، کتاب *هر جاسوس یک شاهزاده*^۱ بود که به عنوان یک کتاب پرفروش در سال ۱۹۹۰ مطرح شد و به نظر می‌رسد که این اثر نیز با توجه به حجم و مطالب ویژه آن، قابل توجه بوده باشد.

نکته قابل ذکر در مورد ترجمه *جاسوسان علیه آخرالزمان*، روانی و حرفه‌ای بودن آن است و تنها ضعف آن، عدم آشنایی مترجم محترم با اصطلاحات و عبارات مربوط به حوزه فلسطین و اماکن جغرافیایی آن است که نمونه‌های آن مکرر و غیر قابل توجیه می‌نماید. به عنوان مثال اگر نپذیریم که در متن به جای کشور مصر، ایچپت^۲ به کار رود، دیگر به جای

1. Every Spy a Prince
2. Egypt



صور، تایره^۱ را نیز نخواهیم پذیرفت. از این دست اسامی در این گستره جغرافیایی بسیار است و مترجم غافل از آن؛ همچون حبرون به جای الخلیل، شِچم به جای نابلس، جریکو به جای اریحا و...

و اگر مؤسسه اطلاعات همچون گذشته با نشر آثار مهم و مفیدی همچون: *جاسوسان خط آتش*، *راه نیرنگ*، *مشت آهنین*، *بریدن دم شیر* و... بر این اهتمام خود استمرار می‌داشت، شاهد ظهور مترجمینی تخصصی و خلاق بودیم که آثارشان در این حوزه برای تحقیق و پژوهش، محل استفاده بیشتری بود.

اهتمام کم‌فروغ ناشر در ارائه اثری استاندارد، با نداشتن نمایه برای این کتاب پر اسم و واژه به وضوح نمایان است و شاید حذف بخش‌هایی از کتاب هم به همین دلیل باشد که چون توانایی تحشیه و پاورقی زدن بر آن نبوده، حذف مطلب آرا ساده‌تر دانسته‌اند و این یعنی محروم کردن جامعه علمی از یک اثر با وجود اشتباهاتی که دارد یا محروم کردن مخاطب از فهم دقیق دیدگاه نویسندگان برای ارزیابی صحیح و دقیق از آنها.

جمهوری اسلامی ایران

شاید یکی از مهمترین دلایل نوشتن این اثر، موضوع ایران باشد که هم در پیشگفتار نویسندگان و هم در فصل اول بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد؛ در حالی که مرور داستان‌های جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس موجودیت و اشغال رسمی فلسطین در سال ۱۹۴۸ بوده و ایران به هیچ عنوان در یک سیر کروئولوژیک، در ابتدا قرار نمی‌گیرد.

البته به غیر از پیشگفتار و فصل اول، در سایر بخش‌ها به مقتضای موضوع و تاریخ، باز هم به ایران توجه شده است و حتی در فصل پایانی هم ایران مهم‌ترین موضوع در آینده این رژیم به شمار می‌رود.

فصل اول از این کتاب با عنوان «متوقف کردن ایران» در ۳۰ صفحه، شرح مفصلی دارد



۱. شهری در جنوب لبنان با جمعیت عمدتاً شیعی (Tyrus).

۲. دان راویو و یوسی ملمن، همان، ص ۵۴.

موضوع اتمی شدن ایران بسیار فراتر از یک رآکتور در یک مکان واحد بود که همچون عراق و سوریه قابل انهدام باشد. داگان در برنامه خویش به دنبال همراه کردن جامعه جهانی به ویژه امریکا، در مقابله با توان هسته‌ای ایران بود تا مانع از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای شود چراکه توانمندی هسته‌ای ایران برای رژیم صهیونیستی بسیار خطرناک‌تر از آن است که صرفاً به ساختن فیزیکی یک بمب نائل آید

از آنچه موساد در قبال ایران سابقه داشته، طراحی کرده و اجرا نموده است.

نویسندگان ضمن شرح بسیار مختصر و ناکافی از روابط شاه با رژیم صهیونیستی به ویژه در عرصه نظامی همچون موشک زمین به زمین «جریکو» یا پروژه اتمی «گل»، به بحث اتمی شدن ایران ورود کرده و مغز متفکر برای مقابله با این توان ایرانی را مئیر داگان معرفی می‌کنند؛ فردی که بعد از مئیر آمیت، دومین رئیس متفکر و خلاق و کارآزموده موساد

معرفی می‌شود. او از سال ۲۰۰۲ که از سوی شارون در این پست گمارده می‌شود، برنامه‌های مشخص در تمام زمینه‌ها به شرح ذیل علیه ایران تدوین می‌کند و با پشتوانه نخست‌وزیر نسبت به اجرای آن اقدام می‌نماید:

۱. فشارهای دیپلماتیک در سطح جهانی؛ از طریق دوستان و دشمنان^۱
۲. ایجاد و تشدید و رسانه‌ای کردن فشار معیشتی به مردم ایران از طریق تحریم^۲
۳. منحرف کردن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تطمیع، تهدید البرادعی یا جاسوسی از آژانس^۳
۴. ضربه به شبکه برق‌رسانی نطنز^۴
۵. اعزام فیزیکی‌دان امریکایی روسی‌الاصول به ایران برای انحراف برنامه هسته‌ای^۵
۶. تولید و ارسال ویروس استاکس‌نت^۶ به شبکه رایانه‌ای ایران در سال ۲۰۰۹ و ادعای انهدام سانتریفیوژهای نطنز^۷
۷. تولید و ارسال ویروس دوکو^۸ در سال ۲۰۱۱^۹

۱. همان، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۴۸ و ۵۴.

۳. همان، ص ۳۷-۳۶.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. همان، ص ۴۰.

۷. همان، ص ۴۲.

۹. همان، ص ۴۲.

6. Stux Net

8. Duqu



۸. ترور دانشمندان هسته‌ای با دو هدف ارباب و اخلال در روند اتمی شدن^۱
 ۹. ترور سردار تهرانی مقدم در دسامبر ۲۰۱۱^۲
 ۱۰. به کارگیری و تجهیز گروه‌های تجزیه طلب در مرزها همچون جندالله^۳
 ۱۱. رفت و آمد آسان به ایران از کانال‌ها و با اشکال مختلف^۴
 ۱۲. استفاده از ذخایر عظیم انسانی همچون یهودیان مقیم ایران^۵
 ۱۳. فعال کردن گسل‌های قومی اعم از آذری‌ها، کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها^۶
- در واقع این برنامه اجرایی مثیر داگان بر اساس برنامه پنج محوری داگان به شرح ذیل بود که در سال ۲۰۰۷ در دیدار با مقامات امریکایی به اطلاع آنها هم رسید؛ از جمله:
- رویکرد سیاسی
 - اقدامات پنهانی
 - جلوگیری از تکثیر سلاح‌ها
 - تحریم
 - اعمال فشار برای تغییر نظام^۷



مثیر داگان

رویکرد داگان در این برنامه، پرهیز از هوچی‌گری‌هایی همچون داد و فریاد نتانیاهو یا لیبرمن علیه ایران بود؛ ضمن آن که با رویکرد حمله مستقیم همچون تهاجم به رآکتور

۱. همان.
۲. همان، ص ۴۳.
۳. همان، ص ۴۵.
۴. همان، ص ۳۵ و ۴۶.
۵. همان.
۶. همان، ص ۳۱.
۷. همان، ص ۴۸.

شاید یکی از مهمترین دلایل نوشتن این اثر، موضوع ایران باشد که هم در پیشگفتار نویسندگان و هم در فصل اول بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد.

اتمی اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ یا حمله به تأسیسات اتمی سوریه در سال ۲۰۰۷ که اتفاقاً مورد اخیر در زمان خود داگان بود هم تفاوت داشت.

در این رویکرد همه‌جانبه، موضوع اتمی شدن

ایران بسیار فراتر از یک رآکتور در یک مکان واحد بود که همچون عراق و سوریه قابل انهدام باشد. داگان در این برنامه به دنبال همراه کردن جامعه جهانی به ویژه امریکا،^۲ در مقابله با توان هسته‌ای ایران بود تا مانع از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای شود چرا که توانمندی هسته‌ای ایران برای رژیم صهیونیستی بسیار خطرناک تر از آن است که صرفاً به ساختن فیزیکی یک بمب نائل آید.

در واقع از کار انداختن پروژه کامل اتمی شدن ایران در تمام عرصه‌های علمی، پزشکی، کشاورزی و... مدنظر این رژیم بوده است و با همین نیت پس از احصاء ۲۵ هزار قطعه از ابزار و وسایل تأسیسات اتمی از پیچ و مهره تا ابزار آلات بزرگ‌تر در جهان و کنترل و مدیریت و انحراف در ورود آن به ایران در دستور کار قرار گرفت؛ به عبارت بهتر مانع از خرید ابزار مربوطه از سوی ایران شد.^۳

هم اکنون نیز احتراز از حمله مستقیم، در دستور کار رژیم صهیونیستی است و راه حل جایگزین، تحریک و شارژ امریکا در تقابل با جمهوری اسلامی است؛ چرا که دیگر تبعات حمله مستقیم به ایران و پاسخ ایران در سطح و حدی نخواهد بود که در توان مدیریت این رژیم باشد. نتایجی که با تمديد مأموریت داگان در پُست ریاست موساد موافقت نکرد ولی در اصل به رویه داگان و رویکرد پنج‌گانه او با افراد دیگر ادامه داد و با ظاهر سازی نیز خود را مخالف آن سیاست اعلام کرد.

«استراتژی پیرامونی» مهم‌ترین موضوع در ارتباط رژیم صهیونیستی با ایران از اواخر دهه شصت میلادی بود. زمانی که اسرائیل به دنبال برقراری ارتباط و بسط مناسبات با کشورهای غیر عرب منطقه برای مهار فشار کشورهای عرب منطقه بود، رثوون شیلواه مجری این استراتژی از سوی بن‌گوریون اهتمام خاصی در این راستا از خود نشان داد و ایرانی که هم اکنون کاملاً مخالف موجودیت این رژیم است در آن زمان کاملاً در خدمت اهداف

۱. تا پیش از این هیچ منبع اسرائیلی به این اقدام اعتراف نکرده بود. این اثر برای اولین بار داستان انهدام رآکتور سوریه در ۳۰۰ مایلی شمال شرقی دمشق در منطقه الکبار که با کمک کره شمالی احداث شده بود را بیان می‌کند.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. همان، ص ۳۴.





«استراتژی پیرامونی» مهم‌ترین موضوع در ارتباط رژیم صهیونیستی با ایران از اواخر دهه شصت میلادی بود. زمانی که اسرائیل به دنبال برقراری ارتباط و بسط مناسبات با کشورهای غیر عرب منطقه برای مهار فشار کشورهای عرب منطقه بود

صهیونیستی در منطقه با مدیریت افرادی همچون شیلاوه (زاسلانی) بود.^۱

بر پایه این استراتژی علاوه بر تأمین منافع اسرائیل در تمام زمینه‌ها به ویژه امنیتی با عقد پیمان نظامی - اطلاعاتی «نیزه سه سر» و حضور ترکیه به عنوان ضلع دیگری از این مثلث غیر عرب، امریکا نیز با استقرار

پایگاه‌های استراق سمع در خاک ایران، اهداف خود در قبال شوروی سابق را پی می‌گرفت.^۲ ایران علاوه بر هزینه کرد همه‌جانبه خود برای غرب و صهیونیسم در حوزه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، در حوزه مهاجرت یهودیان نیز کمک ویژه‌ای به اهداف صهیونیست‌ها کرد که بخشی از آن در قالب استراتژی پیرامونی پیگیری می‌شد و خارج از آن، هم برای مهاجرت ایرانیان یهودی و هم برای مهاجران یهودی از سایر کشورها به ویژه عراق تسهیلاتی فراهم می‌کرد و ۱۵۰ هزار عراقی یهودی با هواپیما از طریق ایران به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند. وظیفه خطیر مهاجرت یهودیان از سراسر جهان بر عهده بخشی مهم از ساختار امنیتی اسرائیل تحت عنوان آلیاه-ب^۳ گذاشته شد که واحدهایی به نام ناتيو^۴ و بیتزور^۵ این مهم را از سال ۱۹۵۲ در آن ساختار ادامه دادند.^۶ در واقع مهاجرت بیش از یک میلیون یهودیان روس بعد از آغاز دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی توسط این واحدها پیگیری می‌شد؛ آن طور که در مورد مهاجرت یهودیان اتیوپی، عراق، رومانی، مراکش و غیره اتفاق افتاد.

لبنان عرصه مرتبط دیگری به ایران است که بخش‌های مهمی از این کتاب را به خود اختصاص می‌دهد که ضمن شرح آنچه به عنوان یک افتضاح در کارنامه اسرائیل به آن خواهیم پرداخت، باید به این نکته اشاره کرد که برای اولین بار ترور علی اکبر محتشمی پور سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در سوریه با ارسال یک نامه حاوی بمب به امان و موساد نسبت داده می‌شود؛ فردی که در شکل‌گیری هسته‌های اصلی حزب‌الله و عملیات‌های ضد اسرائیلی نقش محوری داشته است.^۷ ضمن آنکه اظهار نظر مبهمی در مورد ربوده شدن چهار

۱. همان، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۱ و ۲۸۸.

3. ALIYA-B

4. Nativ

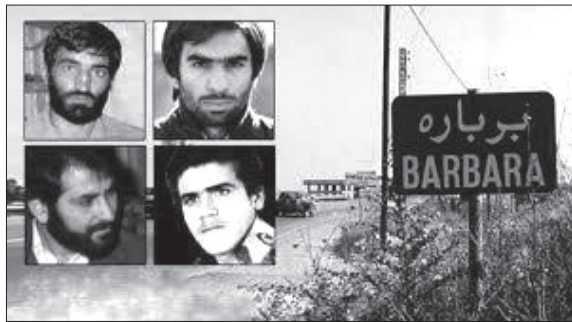
5. Bitzur

۶. همان، ص ۳۳۰-۳۲۹.

۷. همان، ص ۳۶۶.

دیپلمات ایرانی در لبنان در جریان جنگ ۱۹۸۲ به شرح ذیل دارد. و برداشت حداقلی از این اظهار نظر این است که اسرائیلی‌ها نسبت به پرونده چهار دیپلمات در ازای اخباری از رون آراد خلبان اسرائیلی مفقود شده، بی‌میل به اقدام نیستند.

رفتارهای بسیار خشونت‌آمیز و شنیع متحدان مسیحی چندین بار مشکلاتی برای اسرائیل ایجاد کرد. فالانژیست‌ها در جریان جنگ ۱۹۸۲ با بستن راه، چهار ایرانی را که سه نفر از آنها دیپلمات بودند ربودند. چند سال بعد وقتی اسرائیل خواست با حزب‌الله ترتیب مبادله زندانیان و اجساد سربازان را بدهد، مذاکرات به درازا کشید، زیرا حزب‌الله از اسرائیل خواست که جسد چهار ایرانی ربوده شده را تحویل بدهد و اسرائیل پاسخ داد که به هیچ وجه نمی‌تواند این کار را بکند.^۱



چهار دیپلمات ایرانی

ذکر این نکته در پرونده چهار دیپلمات ایرانی هم لازم است که چه ایران و چه حزب‌الله به هیچ عنوان قرائن و شواهدی مبنی بر شهادت آنها نیافته و ندارند؛ چه رسد به اینکه از اسرائیل درخواست جسد کنند. هم اکنون دولت لبنان به صورت حقوقی و فالانژی‌ها به رهبری جعجع از نظر عملیاتی، مسئول پاسخگویی به این پرونده هستند.

در این کتاب به موضوعات مرتبط دیگری در مورد ایران اشاره می‌شود که نکته جدیدی جز تکرار اتهامات قبلی همچون مسئولیت ایران در انفجار مرکز یهودیان آرژانتین «آمایا» ندارد.^۲

۱. همان، ص ۳۵۸. سردار حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی، کاظم اخوان و تقی رستگار مقدم به عنوان چهار دیپلمات ایرانی در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ توسط نیروهای فالانز مرتبط با اسرائیل به رهبری سمیر جعجع در ایستگاه بازرسی برباره ربوده شده و تاکنون از آنها خبری وجود ندارد. عده‌ای بنا بر شواهد بر این اعتقادند که فالانزها، این چهار نفر را به اسرائیلی‌ها تحویل داده و هم اکنون آنها در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند.

۲. همان، ص ۳۷۲.



ایران علاوه بر هزینه کرد همه جانبه خود برای غرب و صهیونیسم در حوزه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، در حوزه مهاجرت یهودیان نیز کمک ویژه‌ای به اهداف صهیونیست‌ها کرد که بخشی از آن در قالب استراتژی پیرامونی پیگیری می‌شد و خارج از آن، هم برای مهاجرت ایرانیان یهودی و هم برای مهاجران یهودی از سایر کشورها به ویژه عراق تسهیلاتی فراهم می‌کرد

پرونده اتمی اسرائیل

شرح مفصلی از اتمی شدن رژیم صهیونیستی با حمایت فرانسه و آفریقای جنوبی و مخالفت‌های امریکا در این اثر همچون سایر منابع - از جمله در کتاب *اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای*^۱ اثر آونر کوهن - آمده است ولی نکته بسیار حائز اهمیت در این اثر که تا حدودی تازگی دارد، دلیل کمک فرانسه است.

رژیم صهیونیستی در نبرد سینا در سال ۱۹۵۶ به این نیت وارد شد که بتواند نظر مثبت فرانسه را برای تجهیز اتمی خود جلب کند. والا هیچ دلیلی وجود نداشت که رژیم صهیونیستی صرفاً به دلیل ملی شدن کانال سوئز و مخالفت با ناصر به عنوان دلایل اصلی در حمله به مصر با فرانسه و انگلیس همراه شود.^۲

از سوی دیگر مخالفت امریکا با دستیابی رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی آن طور که در منابع به آن اشاره شده، در این اثر صوری تلقی می‌شود؛ چرا که امریکایی‌ها از یک دوره‌ای احساس می‌کنند که دیگر قادر به ممانعت از روند هسته‌ای شدن اسرائیل نیستند و تنها برای موجه جلوه کردن نزد سایر بازیگران منطقه، تجاهل می‌کردند و از تأسیسات هسته‌ای اسرائیل بازدید نوبه‌ای به عمل می‌آوردند.^۳

مضاف بر تمام کمک‌های آفریقای جنوبی در پرونده هسته‌ای اسرائیل، نکته جالب در این اثر آن است که رژیم صهیونیستی تا سال ۱۹۷۹ در عین تجهیز به سلاح اتمی آن را آزمایش نکرد و این آفریقای جنوبی بود که امکان آن را برای آزمایش در آب‌های اقیانوس اطلس در جنوب آفریقا فراهم نمود و رژیمی که از سال ۱۹۶۷ دارنده این سلاح بوده از این به بعد یک مرحله هم پیشرفت داشته است و حتی بعد از آن موشک‌های جریکوی خود را به کلاهک هسته‌ای مجهز نمود.^۴

۱. این کتاب با ترجمه محمدرضا سعیدی و نشر وزارت امور خارجه در سال ۱۳۸۵ به بازار عرضه شده است.

۲. همان، ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۱۹، ۱۲۲ و ۱۲۴.

۴. همان، ص ۲۹۶-۲۹۵.



سایت اتمی دیمونا در گزارش روزنامه ساندی تایمز

در این اثر از «لاکام» به عنوان یک واحد علمی در موساد در مسیر اتمی شدن به صورت مفصل سخن به میان آمده است. واحدی با مسئول مجزا از موساد با مدیریت «بنیامین بلومبرگ» که حتی ایسر هارل به عنوان مسئول موساد هم از عملکرد او در دیمونا به عنوان اولین تجربه علمی لاکام اطلاع دقیق نداشت.^۱

در واقع در این اثر اطلاع جامعی از فعالیت‌های این واحد علمی که نامش «دفتر ارتباطات علمی» یا «لاکام» بود ارایه می‌شود^۲ و مهم‌تر اینکه به معرفی و شرح فعالیت شخصیت‌های اصلی در پروژه هسته‌ای شدن اسرائیل از پرز در وزارت دفاع تا پایین‌ترین سطح در بخش علمی اشاره دارد؛ افرادی همچون مانور، آرنون ملیچان و الياهو ساخاروف که هر کدام از آنها اگر وظایف خود را به نحو مطلوب انجام نمی‌دادند چه بسا این مسیر با زحمت، هزینه و وقت بیشتری به ثمر می‌نشست.^۳ و عبرت آموز اینکه این افراد با این حجم از خدمت به آرمان صهیونیسم در پایان عمر در فقر و مصیبت و به دور از توجه سیاسیون، روزگار خود را در بدترین شرایط گذران می‌کردند.

بلومبرگ به عنوان رئیس مقتدر و مؤثر لاکام در طبقه چهارم ساختمانی بدون آسانسور در سن هشتاد سالگی و در حالی که سلامتش رو به افول نهاده، ضمن سخن از بی‌مهری دیگران اعتراف می‌کند که: «متأسفم که زندگی‌ام را فدای امنیت دولت کردم».^۴ از معماهای پرونده هسته‌ای اسرائیل که این اثر به دایره ابهام آن می‌افزاید جریان افشای توان هسته‌ای اسرائیل در روزنامه ساندی تایمز در انگلیس در روز پنجم اکتبر ۱۹۸۶ بود. اولاً روزنامه

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. همان، ص ۲۹۲.

۴. همان، ص ۲۹۷.

ساندی تایمز در ملکیت شرکت بزرگ نیوز کورپوریشن^۱ متعلق به روبرت مورداک صهیونیست بود؛ و ثانیاً روبرت مکسول صاحب روزنامه ساندی میرور هم که صهیونیستی دیگر بود که به عشق اسرائیل وصیت کرده بود تا در قدس به خاک سپرده شود، در رقابت با مورداک خواستار انتشار گزارش وانونو از کارکنان سایت هسته‌ای دیمونا بود که با سفر به انگلیس پس از استرالیا به دنبال افشای پنهان کاری اسرائیل در داشتن سلاح اتمی بود.^۲ و این سؤال مطرح بود که چطور دو صهیونیست معروف در افشای برنامه هسته‌ای اسرائیل نه تنها نقش داشتند بلکه از هم سبقت گرفته‌اند. در واقع تصویر این داستان، این شائبه را ایجاد می‌کند که نکند اسرائیل با کارگردانی این فیلم بر آن بوده است تا با اجرای استراتژی بگین مبنی بر اینکه نخواهد گذاشت هیچ کشوری در خاورمیانه به سلاح هسته‌ای دست یابد.^۳ توان اتمی خود را به این شکل رسانه‌ای کند و به دشمنان خود این پیام را برساند که در عین داشتن این سلاح، می‌خواهد در منطقه رقیبی نداشته باشد.



وانونو در میان مأموران امنیتی

نکته طنز داستان ربودن وانونو که در این اثر به آن اشاره شده، این است که شیمون پرز تأکید داشت عملیات ربایش وانونو در خاک انگلیس اجرا نشود چرا که بانوی آهنین انگلستان مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس اگر حاکمیت کشورش نقض شود نسبت به اسرائیل خشمگین خواهد شد و به همین دلیل طعمه سر راه وانونو او را به ایتالیا کشانده و از آنجا او را ربوده و به فلسطین اشغالی منتقل می‌کنند.^۴

۱. News Corporation، شرکت مادر تخصصی رسانه‌های گروهی چندملیتی مستقر در نیویورک که در سال ۱۹۷۹ توسط روبرت مورداک استرالیایی در شهر آدلاید تأسیس شد. برای اطلاع بیشتر به مقاله‌ای از همین قلم در روزنامه کیهان مورخ ۸۵/۵/۸ مراجعه شود.

۲. همان، ص ۴۳۰.

۳. همان، ص ۴۲۱.

۴. همان، ص ۴۳۱.

باتلاق لبنان

مخالفت امریکا با دستیابی رژیم صهیونیستی به سلاح اتمی آن طور که در منابع به آن اشاره شده، در این اثر صوری تلقی می‌شود؛ چرا که امریکایی‌ها از یک دوره‌ای احساس می‌کنند که دیگر قادر به ممانعت از روند هسته‌ای شدن اسرائیل نیستند

لطیفه‌ای که غالباً بر سر زبان‌ها بود این بود که اگر جنگی بین اسرائیل و لبنان رخ دهد، نیروی دفاعی اسرائیل دسته نوازندگان نظامی‌اش را به جبهه خواهد فرستاد.^۱

هم اکنون نه تنها نوازندگان نظامی بلکه ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل از پس یک گروه مقاومت در لبنان بر نمی‌آید، و حتی امریکا با تمام توان نظامی

و سیاسی خود با هم‌افزایی در تجمیع سلاح و دیپلماسی هم نتوانسته در سال ۲۰۰۶ از یک شکست مفتضحانه در مقابل حزب‌الله جلوگیری نماید؛ شکستی که تمام اسرائیلی‌ها در تمام سطوح علمی، استراتژیک و امنیتی به آن اعتراف کرده و از آن به تلخی یاد می‌کنند. یقیناً این شکست به دلیل مقاومتی است که به وسیله شیعه با تأسی از انقلاب اسلامی در جنوب لبنان شکل گرفت و به قول رابین همچون غولی از شیشه به درآمد.

اسرائیل تاکنون با به کارگیری تمام روش‌ها به منظور مهار مقاومت، ناموفق بوده و در یک موضع منفعلانه به توازن قدرت رضایت داده و از برتری طلبی در مرزهای خود بالبنان دست شسته است و حزب‌الله با موضعی فعالانه آماده تهاجمی سرنوشته ساز است که گوشه‌ای از آن در قدرت‌نمایی‌های اخیر در شمال فلسطین اشغالی نمایان شده است. شکست‌های عبرت‌آموز اسرائیل در قبال مقاومت در لبنان که در این اثر تا حدودی بدان اعتراف شده، به شرح ذیل می‌باشد:

۱. حمله به جنوب لبنان و پیش‌روی تائیروت و خریدن ننگ ابدی و رسوایی بزرگ از قتل عام فلسطینی‌های صبرا و شتیلا با همدستی فالانژها در آخر تابستان در سال ۱۹۸۲ که حتی در این کتاب مضمون کاملی از آن را می‌توان در فیلم «والترز با بشیر»^۲ شاهد بود.

۲. دریافت ضربات پیاپی مقاومت با عملیات استشهادی در جنوب لبنان و ظهور قدرت تشیع در قامت حزب‌الله.

۳. مفتضح شدن در به کارگیری نیروهای مزدور سعد حداد و سپس آنتوان لحد در جنوب و کشف حقایقی از جنایات آنها در جنوب و زندان خیام که پس از سال ۲۰۰۰ به دلیل جهانی شدن این جنایات اقدام به بمباران زندان خیام کردند.

۱. همان، ص ۳۵۵.

2. Waltz with Bashir



واحدی از موساد به نام «کیدون» وظیفه حذف فیزیکی مخالفین در هر نقطه‌ای از دنیا را بر عهده دارد. این واحد که از دوره گلدا مایر و به دستور او برای انتقام از مسبین عملیات مونیخ در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد، دست به ترورهای بسیار زیاد و فجیعی ظرف پنجاه و اندی سال پیش زده است

۴. عقب‌نشینی از جنوب لبنان و به تعبیر صحیح‌تر فرار از این منطقه در پی مقاومت حزب‌الله و تحمل هزینه‌های مالی، نظامی و سیاسی فراوان. فیلم سینمایی تهیه‌شده توسط صهیونیست‌ها به نام «بیوفورت»^۱ روایتی نسبتاً واقعی از ترس سربازان صهیونیست مقابل حزب‌الله است.

۵. تحمل شکست خفت‌بار در جنگ ۲۰۰۶

در عین بهره‌مندی کامل از حمایت‌های امریکا و

برخی کشورهای خائن عرب که در این اثر چندان به آن اشاره نمی‌شود.



موارد فوق رئوس کلی از لیست شکست‌های اسرائیل از مقاومت است که موارد جزئی از آن بسیار متعدد و مطول است و رژیم صهیونیستی در قبال آنها دست به اقدامات عديده‌ای زد که خود نیز به بی‌ثمر بودن آن معترف هستند. به عنوان مثال دستگاه امنیتی اسرائیل پس از بررسی‌های فراوان اقدام به ترور سید عباس موسوی دبیر کل حزب‌الله کردند که بعد از آن با بی‌بردن به این مهم که مقاومت به شخص وابسته نیست و حزب‌الله زوال‌پذیر نیست، از روی کار آمدن فردی به نام سید حسن نصرالله که خود به پرجاذبه‌تر، پرشورتر، زیرک‌تر و خطرناک‌تر بودن از سید عباس موسوی معترف بوده‌اند،^۲ سرخورده شدند. ولی همچنان دست از این شیوه برنداشته و در سطوح پایین‌تر به رویه خود از جمله ترور عماد

1. Beaufort

۲. همان، ص ۳۷۱.

مغنیه در دوازدهم فوریه ۲۰۰۸ در سوریه ادامه دادند و حتماً در تجدید چاپ این اثر به نقش موساد در ترور حاج حسان اللقیس مغز متفکر حزب‌الله در ۱۲ آذر ۱۳۹۲ در بیروت یا ترور مصطفی بدرالدین که در همین اثر به عنوان جانشین عماد مغنیه معرفی شده است،^۲ در تاریخ ۱۰ مه ۲۰۱۶ نیز اشاره خواهند کرد. چه اینکه این افراد با پررنگ شدن نقش حزب‌الله در جنگ همه‌جانبه غرب و برخی اعراب سازشکار و خائن و صهیونیسم علیه ملت سوریه، بسیار مؤثر بودند.

امریکا و اسرائیل

یکی از سه استراتژی بزرگ مورد تأکید بن‌گوریون در کنار استراتژی‌های مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی و استراتژی پیرامونی، استراتژی روابط مستحکم با قدرت‌ها بود. گویی یهودیان منفصل از آنچه قدرت‌ها مدنظر داشته‌اند، در قلب خاورمیانه برای خود دولتی برپا کرده‌اند و جالب اینکه هم انگلیس و هم امریکا در آستانه تأسیس دولت صهیونیستی آن طور که باید در حمایت از این رژیم اقدام نکرده‌اند. و حتی امریکا به دلیل شرقی و روس تبار بودن اکثر مهاجرین یهودی به اسرائیل در مرادوات اطلاعاتی و امنیتی بیش از حد جانب احتیاط را می‌گرفته است،^۳ تا اینکه با به دست آوردن نطق محرمانه خروش‌چف در کنگره حزب کمونیست از طریق صهیونیستها،^۴ کمی دلگرم به ایجاد و بسط همکاری می‌شود[!]. در واقع هر آنچه در مورد روابط امریکا و اسرائیل در این اثر آمده، حاکی از جدایی اهداف و آمال دو رژیم است و اساساً این اثر به یگانگی استکباری و استعماری آنها اعتقادی ندارد. این دیدگاه به وضوح در فصل سوم و چهارم مشهود است. همچنین با این نگاه در فصل هجدهم به بغرنج‌ترین پرونده فیما بین که داستان جاسوسی جاناتان پولارد - افسر یهودی نیروی دریایی امریکا - برای اسرائیل است که از ابتدای دهه هشتاد تا میانه آن، یعنی زمانی که از سوی اف‌بی‌آی در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۵ بازداشت می‌شود، می‌پردازد. او اسنادی با حجم مکعبی ۳ متر طول، ۱۸۰ سانتی‌متر عرض و ۱۸۰ سانتی‌متر ارتفاع را به اسرائیلی‌ها فروخته است.^۵

۱. همان، ص ۵۴۸.

۲. همان، ص ۵۴۹.

۳. همان، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۹۶-۸۷.

۵. همان، ص ۴۴۸.





جانانان پولارد

صرف نظر از همزمانی این داستان با رسوایی ایران کنترا برای امریکا و اسرائیل، رژیم صهیونیستی بابت این شرمساری در مقابل امریکا وعده تعطیلی «لاکام» یا همان دفتر ارتباطات علمی را می‌دهد. رافائیل ایتان، رئیس موساد استعفا می‌کند و تمام اسناد مسترد می‌شود ولی این اقدامات تأثیری بر کاهش عصبانیت امریکا از این اقدام اسرائیل نداشته و در نهایت پولارد به حبس ابد و همسرش به پنج سال حبس محکوم می‌شود.^۱ در تمام این سال‌ها از دوره ریگان تا اوپاما به رغم تلاش دولتمردان صهیونیست، هیچ رئیس‌جمهوری از امریکا حاضر به مصالحه یا عقب‌نشینی از اعمال این مجازات نشد و راضی به آزادی پولارد نگردید.

جالب اینکه پولارد با وجود این دلگیری شدید امریکا در بحرانی‌ترین زمان روابط امریکا و اسرائیل در زمان اوپاما، به شرط پنج سال عدم خروج از امریکا به صورت مشروط آزاد می‌شود و این تنها بهانه برای اثبات دوگانگی اهداف و منافع امریکایی از بین می‌رود و برای چندمین بار ثابت می‌شود که در امریکا، صهیونیست‌هایی حاکم هستند که حافظ منافع یهودیان در سراسر جهان، امریکا و اسرائیل‌اند و در این میان منافع ملت امریکا هیچ جایگاهی ندارد.

ترورهای بیولوژیک

نویسندگان کتاب *جاسوسان علیه آخرالزمان* به بهانه شرح داستان از زندگی «اوراهام - مردخای - مارکوس گلینبرگ» و جاسوسی وی برای روسیه به معرفی یکی از مهم‌ترین مراکز تحقیق و تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک به نام «نس تزینونا»^۲ می‌پردازند؛ مرکزی که به

۱. همان، ص ۴۴۹.

عنوان یکی از بازوان عملیاتی موساد در حذف مخالفین از آن استفاده‌های زیادی شده است. همچون مسموم کردن ودیع حداد از رهبران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در سال ۱۹۷۷ که همکاری نزدیکی با کارلوس داشت و بسیاری از عملیات‌های چریکی علیه صهیونیست‌ها در خارج از فلسطین اشغالی را رهبری می‌کرد.^۱ سال‌ها بعد از مرگش اسرائیلی‌ها اعلام کردند که او را با شکلات مسموم کرده‌اند و مرگ او به دلیل آنچه سرطان خون اعلام شده بود، نمی‌باشد. همچنین ترور خالد مشعل در سال ۱۹۹۷ که با اسپری سم به گوش او صورت گرفت و البته به دلایل مفصل که شرح آن در این اثر آمده، صهیونیست‌ها پادزهر آن را ارسال کرده و مشعل از این اقدام جان سالم به در می‌برد.^۲

از مهم‌ترین ترورهای بیولوژیک، مسموم کردن یاسر عرفات بود که در این اثر، نویسندگان رژیم صهیونیستی را از آن تبرئه می‌کنند ولی وقوع آن را به دلیل همراهی عرفات با مقاومت و انتفاضه الاقصی بعد از ۲۰۰۲، محتمل می‌دانند. تحقیقات علمی که منجر به نبش قبر او نیز شد، حاکی از احتمال قوی نسبت به وقوع ترور بیولوژیک است.



عرفات مسلول در آخرین روزها

در واقع وجود مرکزی به نام «نس تزیونا» با این شرح از مأموریت، حکایت از فناوری بسیار ناجوانمردانه و جنایت‌بار دارد که صهیونیست‌ها از دیرباز از آن بهره برده و چه بسا در ارتباط با دوستان خود در منطقه، این فناوری را نیز به آنها برای حذف مخالفین خود و اسرائیل ارایه کرده باشند. با این فرض هر گونه مرگ مشکوک بر اثر بیماری‌های ناگهانی در میان

۱. همان، ص ۳۹۵.

۲. همان، ص ۵۳۵.



گویی در هیچ کتاب و اثر صهیونیستی قرار نیست که موضوع هولوکاست بی بهره باشد! و اگر در یک اثر کوچک ترین بهانه وجود داشته باشد که موضوع هولوکاست مطرح شود، این کوچک ترین بهانه به بزرگ ترین دلیل تبدیل می شود؛ انچنان که فرازهای مهم از این اثر نیز به اثبات هولوکاست اشاره دارد و مخاطب با فرض صحت وقوع این اسطوره است که باید داستان های پلیسی و امنیتی کتاب را پی گیرد

شخصیت های انقلابی، ضد صهیونیستی از جمله حضرت امام (ره) و دو فرزند بزرگوارشان، مرحوم کامبوزیا و... بسیار محتمل است و ضرورت مراقبت از رهبران ضد صهیونیست با این سوابق را دو چندان می کند.

واحد آدم کش ها

واحدی از موساد به نام «کیدون» وظیفه حذف فیزیکی مخالفین در هر نقطه ای از دنیا را بر عهده دارد. این واحد که از دوره گلدا مایر و به دستور او برای انتقام از مسببین عملیات

مونخ در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد، دست به ترورهای بسیار زیاد و فجیعی ظرف پنجاه و اندی سال پیش زده است.

نویسندگان کتاب ضمن نام نهادن بر بخشی از این کتاب با عنوان «آدم کش ها» به گزارش عملکرد واحد کیدون می پردازند. ترور افرادی همچون: خلیل الوزیر در سال ۱۹۸۸، دکتر فتحی شقاقی در اکتبر ۱۹۹۵ در جزیره مالت، شیخ احمد یاسین رهبر حماس در سال ۲۰۰۴، یک ماه پس از ترور عبدالعزیز رنتیسی و هشت ماه قبل از مرگ مشکوک عرفات. به لیست جدید از اقدامات کیدون باید به ترور عماد مغنیه در ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ و بعد از آن مصطفی بدرالدین و حسان اللقیس نیز اشاره کرد.

ولی یکی از بحث برانگیزترین ترورهای اخیر کیدون، اقدام علیه محمود المبحوح از رهبران حماس و به قول کتاب از افراد اصلی در تأمین مایحتاج نظامی حماس بود که در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ طی یک سفر در دبی و در اتاقش در یک هتل پنج ستاره به نام البستان روتانا مورد هدف قرار گرفت.^۳

واحد کیدون متشکل از تیمی ۱۶ نفره بود که تصاویر آنها از طریق دوربین های مداربسته

۱. توضیح آن که «مک فارلین مشاور پیشین امنیت ملی رونالد ریگان در یک مصاحبه مطبوعاتی فاش ساخت که در سال ۱۳۶۴ یک مقام رژیم صهیونیستی (دیوید کیمچه) در دیدار از کاخ سفید امریکا پیشنهاد کرد آیت الله خمینی را با مسموم کردن غذای وی به قتل برسانند.» به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی.
http://www.imamkhomeini.ir/fa/c202_136924/%D8%AE%D8%A8%D8%B1_%D9%88_%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87_%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%B1%D8%B3%DB%8C%D8%AF%D9%87/

۲. همان، فصل بیست و دوم.

۳. همان، ص ۵۵۸ - ۵۵۰.

دستگاه امنیتی اسرائیل پس از بررسی‌های فراوان اقدام به ترور سید عباس موسوی دبیرکل حزب‌الله کردند که بعد از آن با پی بردن به این مهم که مقاومت به شخص وابسته نیست و حزب‌الله زوال‌پذیر نیست، از روی کار آمدن فردی به نام سید حسن نصرالله که خود به پرجاذبه‌تر، پرشورتر، زیرک‌تر و خطرناک‌تر بودن از سید عباس موسوی معترف بوده‌اند، سرخورده شدند

هتل ضبط شده بود. آنها با پاسپورت‌های جعلی از کشورهای مختلف وارد دبی شده بودند که پلیس دبی رد آنها را گرفت ولی هیچ اقدامی در بازداشت و جلب آنها نکرد. ولی برای موساد افتضاح گسترده‌ای ایجاد شد که چطور با این کم‌دقتی خود را برای انجام یک ترور، مضحکه جهانیان کرده‌اند.

علاوه بر ذکر حقایق جالب از این عملیات در این اثر، رژیم صهیونیستی با بازی یکی از مدل‌های زن این رژیم، اقدام به ساخت فیلمی کم‌دی از این داستان می‌کند.^۱

باز هم هولوکاست

گویی در هیچ کتاب و اثر صهیونیستی قرار نیست که موضوع هولوکاست بی‌بهره باشد! و اگر در یک اثر کوچک‌ترین بهانه وجود داشته باشد که موضوع هولوکاست مطرح شود، این کوچک‌ترین بهانه به بزرگ‌ترین دلیل تبدیل می‌شود؛ آنچنان که فزاینده‌های مهم از این اثر نیز به اثبات هولوکاست اشاره دارد و مخاطب با فرض صحت وقوع این اسطوره است که باید داستان‌های پلیسی و امنیتی کتاب را پی گیرد.

ایسر هارل یکی از مقتدرترین سران موساد در زمان بن‌گوریون ابتدا نسبت به تعقیب سران نازی به دلیل اقدامات به اصطلاح یهودستیزانه آنها بی‌میل بوده ولی با دریافت عمق جنایت [!]^۱ آنها شروع به رهگیری و شکار آنها در ممالک مختلف می‌نماید که بزرگ‌ترین موفقیت برای او و اسرائیل به دام انداختن آدلف آیشمن است که داستان مفصل از صید او در این اثر می‌آید^۲ و بعد از چشیدن لذت بزرگ این پیروزی به قدری در این مسیر افراط می‌کند که بن‌گوریون خطاب به وی گفته بود: «دست از سر آلمان‌ها بردار»^۳ و افزون بر این دلیل، روابط هارل با نخست‌وزیر به تیرگی گراییده، پس از ۱۲ سال از ریاست موساد کنار گذاشته می‌شود و مؤثر آمیت جایگزین او شده که در این سازمان یک تحول جدی ایجاد می‌کند.

1. Kidon (2013)

۲. همان، ص ۱۴۳-۱۴۰.

۳. همان، ص ۱۵۰.





آدلف آیشمن

در بخش دیگری از این کتاب مئیر داگان نیز به عنوان یکی از موفق‌ترین سران موساد معرفی می‌شود که باز هم هولو کاست از منظر او تقویت می‌شود؛ چرا که پدر بزرگ و مادر بزرگش از قربانیان هولو کاست معرفی می‌شوند و او به صورت تأثیر گذاری تصاویر آنها را قاب کرده و در دفتر مقابل چشمانش قرار داده.^۱ در واقع وی با این حرکت نمادین تمام رفتار خود برای عدم وقوع هولو کاستی مجدد را موجه می‌کند؛ چه آن که تمام مقامات صهیونیست به بهانه جلوگیری از وقوع هولو کاستی دیگر دست به اقدام علیه مخالفین خود می‌زنند و در این ضمن اثبات اسطوره موهوم هولو کاست، از این دست اقدامات علیه دشمنان اسرائیل به وضوح و متعدد، تکرار شده است.

واقعیت جنگ‌ها

ایلان پایه در کتاب *پاکسازی نژادی فلسطین*^۲ اعتراف می‌کند که سران صهیونیست تا قبل از تأسیس دولت نامشروع خود برای تهاجم به روستاها و آبادی‌های یهودی‌نشین به دنبال بهانه‌ای بودند که مردم فلسطین را تحریک کرده و آنها را وادار به اقدام نظامی نمایند و اتفاقاً فلسطینی‌ها از بهانه تراشیدن برای وقوع یک جنگ پرهیز می‌کردند. در واقع صهیونیست‌ها نیازمند برپایی جنگی بودند که به دنبال آن سرزمین‌های بیشتری از سهم اختصاص یافته به خود بر اساس قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل موسوم به طرح تقسیم را به

۱. همان، ص ۵۶۱.

۲. از این کتاب در ایران سه ترجمه وجود دارد که جدیدترین آن از سوی مؤسسه اطلاعات با ترجمه محسن کرباسفر و شان در سال ۱۳۹۶ روانه بازار شده است.

دست آورند.

در کتاب *جاسوسان علیه آخرالزمان* به وضوح مشارکت بن گوریون با انگلیس و فرانسه در حمله به مصر در سال ۱۹۵۶ و جلب حمایت فرانسه برای دست یافتن به توان هسته‌ای مطرح می‌شود و ذکر می‌گردد که جنگ ۱۹۵۶ به آن دلیل نبود که مطرح شده است.^۱



مناخیم بگین، کارتر و سادات در کمپ دیوید

چنین داستانی در مورد آغاز جنگ ۳۳ روزه نیز اتفاق افتاد. یعنی حمله همه‌جانبه صهیونیست‌ها در سال ۲۰۰۶ به لبنان، در پی ربودن دو نظامی صهیونیست در جنوب لبنان توسط حزب الله نبوده، چرا که آنها تنها به دنبال یک بهانه کوچک بودند که حزب الله حسب روال طبیعی خود در جریان مقاومت دست به عملیات می‌زند و صهیونیست‌ها حمله می‌کنند و البته به پیروزی هم نمی‌رسند.

و اما یکی از مهم‌ترین جنگ‌های اعراب و اسرائیل موسوم به جنگ ۱۹۷۳ یا یوم کیپور یا جنگ اکتبر به نحوی در این اثر روایت می‌شود که فرضیات مطرح در باب چرایی این جنگ به طرز چشمگیری تقویت می‌گردد.

نویسندگان کتاب در این اثر به چند واقعیت مهم اشاره می‌کنند که این‌طور که در تاریخ آمده، اسرائیل در سال ۱۹۷۳، غافلگیر نشده چرا که از کانال‌های ذیل به شرح آنچه خواهد آمد، در باب عزم مصر برای حمله به اسرائیل اطلاع داشته است:

۱. ملک حسین که از سال ۱۹۵۰ در فهرست حقوق‌بگیران سازمان سیا قرار داشت و از سال ۱۹۶۳ به صورت مکرر با مقامات اسرائیلی ملاقات داشت، در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳، پس

۱. همان، ص ۱۰۷.



با توجه به اطلاعات قابل طرح مبنی بر اطلاع رژیم صهیونیستی از حمله مصر که در این اثر آمده است، بی توجهی اسرائیل نسبت به این اطلاعات (که احتمالاً موارد بیشتری هم وجود داشته) کاملاً غیر قابل قبول است؛ مگر اینکه اسرائیل بگذارد که مصر حمله کند و حتی سادات با شکستن دیوار معروف دفاعی «بارلو» تبدیل به یک قهرمان شود و آنگاه در قد و قامت یک فرد و کشور پیروز از در مصالحه با اسرائیل درآید چرا که سخن از صلح با اسرائیل با تجربه شکست فضاحت بار ۱۹۶۷، بسیار سخت بود

از اینکه نه بار با گلدمایر تا آن زمان ملاقات کرده بود، تقاضای ملاقات فوری می کند و آنها پس از سفر ملک حسین با هلی کوپتر به مهمانسرای موساد در شمال تل آویو با هم ملاقات می کنند و ملک حسین به نخست وزیر می گوید که مصر و سوریه در آینده نزدیک به اسرائیل حمله خواهند کرد.^۱

۲. اشرف مروان داماد جمال عبدالناصر با نام رمز فرشته که از سال ۱۹۶۹ جذب موساد شده بود و در آن زمان از مشاورین انور سادات رئیس جمهور مصر بود نیز در ۱۴ اکتبر یعنی دو روز قبل از حمله مصر خبر تهاجم مصر به اسرائیل را از طریق موساد اطلاع داد.^۲

۳. کارگر مصری مأمور موساد در بندر اسکندریه که مأمور اطلاع رسانی بابت نقل و انتقال یگان دریایی مصر بود، قبل از حمله نیز اطلاع داد که ناوگان کشورش بندر اسکندریه را ترک کرده و این به منزله وقوع یک جنگ است.^۳

۴. کاستا افسر اطلاعاتی مصر که توسط موساد جذب شده بوده، اطلاعات خوبی از تابستان تا اکتبر ۱۹۷۳ به اسرائیل داده بود که حاکی از تحرکات مصر برای انجام یک جنگ است.^۴ با توجه به اطلاعات قابل طرح مبنی بر اطلاع رژیم صهیونیستی از حمله مصر که در این اثر آمده است، بی توجهی اسرائیل نسبت به این اطلاعات (که احتمالاً موارد بیشتری هم وجود داشته) کاملاً غیر قابل قبول است؛ مگر اینکه اسرائیل بگذارد که مصر حمله کند و حتی سادات با شکستن دیوار معروف دفاعی «بارلو»^۵ تبدیل به یک قهرمان شود و آنگاه در قد و قامت یک فرد و کشور پیروز از در مصالحه با اسرائیل درآید چرا که سخن از صلح با اسرائیل با تجربه شکست فضاحت بار ۱۹۶۷، بسیار سخت بود. در واقع برای هر دو طرف طراحی این سناریو و ایجاد زمینه برای صلح که در سال ۱۹۷۸ محقق گردید، یک برد واقعی تلقی می شد.

۱. همان، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۱۶.

۳. همان، ص ۳۰۸-۳۰۷.

۴. همان، ص ۳۰۶.

نتیجه

نویسندگان کتاب *جاسوسان علیه آخرالزمان* که یقیناً در هماهنگی کامل با جامعه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بوده‌اند، بر آن هستند که در این اثر با معرفی جدیدی از واحدهای مختلف اطلاعاتی و عملیاتی از موساد و امان و شین بت به جزئیات جدیدی از فعالیت این واحدها بپردازند. اقدامی که در مورد هیچ یک از جوامع اطلاعاتی و دولت‌ها در هیچ جای دنیا مرسوم نیست؛ آن هم با این دقت و جزئیات! در وهله بعد نویسندگان قصد دارند با داستان‌پردازی از عملیات‌های موفق و ناموفق این جامعه اطلاعاتی، باورپذیری آن نزد مخاطب را بالا ببرند و در نهایت به القاء دو نکته مهم در ذهن مخاطب به صورت غیر مستقیم بپردازند که اولاً تمام این عملیات‌ها با منطق حق حفاظت از خود در میان دشمنان بی‌منطق صورت گرفته و ثانیاً، قدرت این جامعه اطلاعاتی آنقدر زیاد است که بتواند ظرف هفتاد سال از موجودیت این رژیم، تمام بحران‌های سیاسی، امنیتی و نظامی را پشت سر گذارد و هم‌اکنون نیز خواهد توانست با موضوع هسته‌ای ایران به موفقیت دست یابد. نکته‌ای که نویسندگان در پیشگفتار به آن تصریح می‌کنند: «موساد به گونه‌ای شگفت‌انگیز کارآمد است.»

البته اطلاع از نیت پشت پرده برای انتشار این دست‌آثار ما را مستغنی از آنچه می‌اندیشند و انجام داده‌اند، نمی‌کند. و این اثر با تمام جهت‌گیری‌های پیدا و پنهان، در برگیرنده اطلاعات و مطالبی است که برای یک مخاطب ایرانی مفید است؛ ضمن آن که هشیاری در کشف نیت‌ها نیز لازم.



